

## تمرکز ثروت و رشد تضادهای طبقاتی

سرمایه داران و حامیانشان به هر طریق ممکن می کوشند تا ابعاد واقعی ی تمرکز ثروت خود را از چشم مردم و مسنولان مالیاتی مخفی دارند. مطبوعات بورژوایی از روی دشمنی با چنین امری واضح، هنوز هم سعی دارد تا توهم به توزیع "دموکراتیک" سرمایه گذاری را باقی نگه دارد. روزنامه ی نیویورک تایمز، در رد مارکسیست ها، استدلال می کند که بین ۳ تا ۵ میلیون کارفرمای منفرد وجود دارد. این حقیقتی است که شرکت های سهامی مشترک بیشتر از این ۳ تا ۵ میلیون کارفرمای منفرد، سرمایه در دست دارند، با این وجود ایالات متحده آمریکا دارای "نیم میلیون شرکت" می باشد. این نوع بازی با آمار نه برای نشان دادن مسائل آن طور که هستند، بلکه برای پنهان کردنشان به کار می رود.

از ابتدای جنگ تا سال ۱۹۲۳، در حالی که توده ی تولید صنعتی افزایشی را از ۱۰۰ به ۱۵۶/۳ نشان می داد، تعداد کارخانه های سازنده و مونتاژ ایالات متحده آمریکا در جدول محاسبات، تنزلی از ۱۰۰ به ۹۸/۸ را رقم می زد. در طول سال های شکوفایی (۱۹۲۹ - ۱۹۲۳) زمانی که به نظر می رسید همه در حال ثروتمند شدن بودن، تعداد بنگاه ها [ی تجاری] از ۱۰۰ به ۹۳/۸ کاهش پیدا کرد، در حالی که رشد تولید از ۱۰۰ به ۱۱۳ بالا رفت،

با این وجود، تمرکز بنگاه های تجاری با بدنه ی مادی سنگین، نسبت به تمرکز معنوی آن ها، یعنی مالکیت، بسیار عقب است. همان طوری که نیویورک تایمز به درستی ملاحظه می کند، در سال ۱۹۲۹ ایالات متحده دارای بیش از ۳۰۰ هزار مؤسسات تجاری بود. تنها لازم است اضافه شود که ۲۰۰ مؤسسه ی تجاری، یعنی ۰/۰۷ درصد از کل آن ها، مستقیماً ۴۹/۲ درصد از دارایی ی کل شرکت های سهامی را کنترل می کردند. ۴ سال پس از آن، این رقم به ۵۶ درصد رسید و شکی نیست که در سال های حکومت «روزولت» رقم بالاتر هم رفت. در درون این ۲۰۰ مؤسسه ی سهامی اصلی، تسلط عملاً در دست اقلیتی کوچک است. یک کمیته ی مجلس سنا در فوریه ۱۹۳۷ کشف نمود که در طول ۲۰ سال گذشته تصمیمات ۱۲ مؤسسه از بزرگ ترین مؤسسات سهامی، به مثابه ی عامل تعیین کننده در بیشتر بخش های صنایع آمریکا بوده است. تعداد مدیران عامل این مؤسسات سهامی، تقریباً برابر تعداد وزرای کابینه ی ریاست جمهوری ایالات متحده، شاخه ی نمایندگان حکومت جمهوری است. اما این مدیران عامل بی اندازه پر قدرت تر از وزرای کابینه می باشند.

همین روند در زمینه ی نظام بانکی و بیمه قابل مشاهده است. پنج شرکت از بزرگ ترین شرکت های بیمه در ایالات متحده نه تنها شرکت های دیگر که حتی خیلی از بانک ها را نیز در خود حل کرده اند. تعداد کل بانک ها عمدتاً از طریق به اصطلاح "ادغام شدن"، تقلیل یافته است، اما در حقیقت و اساساً [در این شرکت های بزرگ] حل شده اند. این تغییر و تبدیلات به سرعت رشد می کند. در بالای سر بانک ها ایلینگارشی ی مافوق بانک ها ایجاد می شود. سرمایه ی بانکی در سرمایه ی صنعتی ادغام شده و تبدیل به یک مافوق

سرمایه‌ی مالی می‌گردد. بر فرض این که تمرکز صنایع و بانک‌ها با همان نرخ‌ی که در ۲۵ سال گذشته متداول بوده است، ادامه یابد - اما حقیقت این است که نرخ سرعت این تمرکز در حال افزایش بوده است - در طول ۲۵ سال آینده انحصارات کنترل کل اقتصاد کشور را در اختیار خود در آورده و کوچک‌ترین منفذی را برای دیگری باز نمی‌گذارد.

آمار و ارقام موجود در ایالات متحده در این جا مورد توجه است، زیرا که دقیق‌تر و قابل توجه‌تر می‌باشد. روند تمرکز اساساً دارای خصلتی بین‌المللی است. در طول تمام مراحل گوناگون نظام سرمایه‌داری، از طریق فزاینده‌ی سیکل‌های متصل به هم و از طریق همه‌ی رژیم‌های سیاسی؛ از طریق دوره‌های صلح تا دوره‌های ضدوخوردهای نظامی، روند تمرکز ثروت‌های بزرگ در دست جمعی است که تعدادش همواره در حال کاهش بوده و این روند را پایانی نیست. در طول سال‌های جنگ بزرگ، زمانی که ملت‌ها با خونریزی شاهد مرگ خود بودند، زمانی که بدنه‌ی سیاسی‌ی بورژوازی زیر آوار سنگین قرض‌های ملی خرد شده بود، زمانی که نظام‌های مالی در قهقرا فرو رفته و طبقه‌ی متوسط را هم با خود می‌کشید، انحصارات مشغول انباشت سودهای بی‌سابقه‌ای حاصل از خون انسان‌ها و خرابه‌های [ناشی از جنگ] بودند. قدرتمندترین شرکت‌های ایالات متحده در طول سال‌های جنگ دارایی‌های خود را دو، سه، چهار برابر و بیشتر کرده و سود سهامشان را به ۳۰۰، ۴۰۰، ۹۰۰ درصد و بیشتر رساندند.

در سال ۱۸۴۰، هشت سال قبل از انتشار «مانیفست کمونیست» مارکس و انگلس، نویسنده‌ی معروف فرانسوی «آلکسیس دو توکویل» در کتاب خود به نام «دموکراسی در آمریکا» آورد: «ثروت‌های بزرگ به نابودی می‌گروند،

در حالی که شمار دارایی های کوچک افزایش می یابد. " این تفکر بارها تکرار شده است، اول در رابطه با ایالات متحده و بعد هم در رابطه با سایر دموکراسی های نوپایی مانند استرالیا و زلاندنو. البته دیدگاه «آکسیس دو توکوویل» در دوران خود او هم بسیار اشتباه بود. منتها تمرکز واقعی ی ثروت، بعد از جنگ داخلی آمریکا شروع شد و در آن زمان «آکسیس دو توکوویل» در گذشته بود. در آغاز قرن حاضر، دو درصد از جمعیت ایالات متحده نقداً صاحب بیش از نیمی از تمامی ثروت این کشور بودند؛ در سال ۱۹۲۹ همین دو درصد، سه پنجم ثروت ملی [آن کشور] را در تصاحب خود داشت. در همان زمان، ۳۶ هزار فامیل ثروتمند [آمریکا] درآمدی برابر ۱۱ میلیون خانواده متوسط و فقیر را داشتند. در طول بحران سال های ۱۹۳۳ - ۱۹۲۹ مؤسسات انحصاری بی نیاز از خیرات عمومی بوده، بلکه برعکس، آن ها خود را به سطحی بالاتر از افت عمومی ی اقتصاد ملی رسانده بودند. انحصارات در پی احیاء ی صنعت تق و لق [آن کشور] با استفاده از خمیرمایه ی «معامله نوین»، بار دیگر به سرشیرگیری هنگفت خود دست زدند. تعداد بیکاران کاهش یافت و در بهترین حالت از ۲۰ میلیون به ۱۰ میلیون نفر رسید. هم زمان قشر برتر طبقه ی سرمایه دار - که به ۶ هزار نفر نمی رسید - سود سهام عجیبی را انباشتند؛ این آن چیزی است که ژنرال رابرت اچ جکسون در زمان اشتغال خود، در سمت معاون دادستان کل ضد شرکت ها، با استفاده از محاسباتی ثابت کرد.

«فردیناند لوندبرگ» که به خاطر وجدان فاضلش از جمله اقتصاددانان محافظه کار به شمار می آید، در کتاب خود این طور نوشت و آشوبی به پا شد: "امروزه ایالات متحده تحت تصاحب و تسلط سلسله مراتبی از ۶۰

خانواده از ثروتمندترین خانواده ها است که با پشتیبانی ۹۰ خانواده ی دیگری با ثروت کمتر همواره تقویت می گردد." به این دو رده شاید به توان رده ی سومی را هم از ۳۵۰ خانواده افزود که درآمدی بالغ بر ۱۰۰ هزار دلار در سال دارند. موضع غالب و با نفوذ را ۶۰ خانواده ای دارند که نه تنها بر بازار که بر تمامی اهرم های حکومتی نیز تسلط دارند. آن ها حقیقتاً حکومت می کنند. "حکومت پول در دموکراسی دلار".

بنابر این مفهوم انتزاعی ی "سرمایه ی انحصاری" برای ما با پوست و خون جا افتاده است. معنای آن این است که مشتی خانواده، از طریق خویشاوندی و منافع مشترک در درون یک ایلینگارشی سرمایه داری منحصر به خود، به یک دیگر وابسته شده و ثروت اقتصادی و سیاسی یک ملت بزرگ را در اختیار خود دارند. بالاجبار باید پذیرفت که قانون مارکسیستی ی تمرکز [ثروت]، با خوش نامی به اثبات رسیده است!

**بازنویس: یاشار آذری**

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴